

پیامدهای اعتصاب دو ماهه مطبوعات در سال ۱۳۵۷

علیرضا ملائی توانی^۱

میشم غلامپور^۲

چکیده

روزنامه‌های پرشمارگان ایران در آخرین سال سلطنت رژیم پهلوی طولانی‌ترین اعتصاب تاریخ مطبوعات این کشور را از سرگذراندند؛ اعتصابی دو ماهه از ۱۵ آبان تا ۱۶ دی ماه همزمان با نخست‌وزیری غلامرضا ازهاری. دلیل یا بهانه شروع این اعتصاب اشغال تحریریه روزنامه‌های اطلاعات، کیهان و آیندگان و دستگیری و تحت تعقیب قرار گرفتن برخی از روزنامه‌نگاران بود. پژوهش حاضر با تکیه بر منابع دست اول به ویژه حجم گسترده‌ای از نشریات آن زمان درصدد پاسخ به این پرسش بوده که اعتصاب مطبوعات در سال ۱۳۵۷ چه پیامدهایی را به دنبال داشته است؟

mollaiynet@yahoo.com

meysamgholampour@yahoo.com

۱- دانشیار گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی

۲- کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی

این نوشتار در نهایت به این جمع‌بندی رسیده است که شکل‌گیری اعتصاب دو ماهه مطبوعات از یک طرف باعث بروز اختلاف و جنگ قلمی میان روزنامه‌نگاران موافق و مخالف اعتصاب و از طرف دیگر موجب تقویت سایر ابزارهای اطلاع‌رسانی در غیاب نشریات پرشمارگان کشور شد. اعتصاب همچنین همراهی گسترده مردمی را به دنبال داشت که به واسطه اعتصاب، مطبوعات را دیگر در کنار و در صف مبارزاتی خود می‌دیدند. نتیجه این همراهی، استقبال مردم از این نشریات در روزهای پس از اعتصاب و افزایش کم‌نظیر شمارگان آنها بود. این نشریات پس از انتشار دوباره‌شان، با توجه به فضای به‌وجود آمده، اطلاع‌رسانی بهتری از رویدادهای سرنوشت‌ساز آن مقطع حساس داشتند.

کلیدواژه‌ها: مطبوعات، اعتصاب، انقلاب اسلامی، آزادی

مقدمه

پاییز سال ۱۳۵۷ که زمان اوج‌گیری مبارزات و تظاهرات مردمی ضد حکومت پهلوی بود را باید فصل اعتصاب بنامیم. در آن زمان ارگان‌های متعددی در کشور به دلایل سیاسی-اقتصادی دست به اعتصاب‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت زدند. اعتصاب‌های دوگانه اصحاب مطبوعات یکی از این اعتصاب‌ها بود. این دو اعتصاب در جهت مقابله با فشار سانسور و تقاضای آزادی و امنیت روزنامه‌نگاران و در راه همراهی با نهضت مردمی شکل گرفتند؛ اعتصاب نخست، اعتصابی چهار روزه در تاریخ ۱۹ تا ۲۳ مهر ماه سال ۱۳۵۷ در زمان دولت جعفر شریف‌امامی و اعتصاب دوم، اعتصابی بزرگ (دو ماهه) در ۱۵ آبان تا ۱۶ دی ماه همان سال هم‌زمان با حضور دولت نظامی ازهاری در رأس قدرت بود.

تا به حال هیچ پژوهش جدی در قالب کتاب یا پایان‌نامه درباره این اعتصاب‌ها به نگارش درنیامده و در نتیجه اهمیت و پیامدهایی که این اعتصاب‌ها به دنبال داشتند، مورد بررسی قرار نگرفته و همچنان ناشناخته باقی مانده است. در واقع جای خالی پژوهش‌های جدی و علمی در این موضوع به شدت احساس می‌شود؛ موضوعی که کنکاش در آن می‌تواند شناخت دقیق‌تری از نقش و جایگاه مطبوعات در مقطعی سرنوشت‌ساز از تاریخ ایران به دست دهد. به این ترتیب مسئله اصلی این پژوهش بررسی پیامدهایی است که اعتصاب دو ماهه مطبوعات در سال ۱۳۵۷ به دنبال داشت.

در میان آثاری که به طور ضمنی به موضوع اعتصاب مطبوعات پرداخته‌اند، تنها اثر قابل تأمل در قالب کتاب، جلد چهارم از کتاب قلم و سیاست محمدعلی سفری است؛ فردی که در زمان اعتصاب مطبوعات دبیر وقت سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود و به نوعی رهبری اعتصاب کنندگان را نیز برعهده داشت. وی در این کتاب یک فصل کامل را به کم و کیف اعتصاب اختصاص داده است. در قالب مقاله نیز برخی از روزنامه‌نگاران و چهره‌های مرتبط با مطبوعات در آن زمان بعدها به بیان خاطرات خود از آن دوره پرداخته‌اند که آثار آنها نیز می‌تواند به عنوان یکی از منابع پژوهشی برای علاقه‌مندان به حساب آید. در این زمینه برای نمونه می‌توان به مقالات «بررسی ساختار بیرونی و درونی اعتصاب مطبوعات» از محمد حیدری، «مطبوعات ایران در دوره پهلوی-۳» به قلم مهدی بهشتی‌پور، «از روزهای نوفل‌لوشاتو تا اعتصاب مطبوعات» از منصور تاراجی، «مطبوعات ایران در منگنه دو نظام» نوشته جواد طالعی و همین‌طور مصاحبه فیروز گوران با عنوان «اعتصاب بزرگ اشتباه بود» و حسین مهدیان با عنوان «ماجرای اعتصاب دو ماهه مطبوعات در سال ۵۷» اشاره کرد. در کنار اینها تکیه اصلی پژوهش حاضر بر منابع دست اول همچون نشریات آن زمان به اضافه منابعی مثل اسناد موجود در آرشیو مؤسسات مختلف بوده است.

در مقاله حاضر تلاش شده است تا با استفاده از روش توصیفی-تبیینی ضمن اشاره به روند شکل‌گیری اعتصاب، به تبیین پیامدهایی پرداخته شود که این حرکت اصحاب مطبوعات در پی داشت.

شکل‌گیری و روند اعتصاب

شکل‌گیری اعتصاب دو ماهه مطبوعات پرشمارگان کشور در سال ۱۳۵۷ نیاز به بستری داشت که مثل تکه‌های یک پازل در کنار هم موجب تحقق آن اعتصاب شدند؛ بستر نخست، وضعیت مطبوعات در دوره پهلوی دوم بود. در واقع اعتصاب دو ماهه مطبوعات در سال ۱۳۵۷ را باید در ادامه کشمکش همیشگی حکومت و مطبوعات در دوره پهلوی دوم به شمار آورد و نه تافته جدا بافته‌ای از آن. این اعتصاب در واقع حرکتی در ادامه دخالت همیشگی دولت‌ها در کار نشریات و واکنش متقابل نشریات به آنها بود. بستر دوم وجود سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود. اعتصاب دو ماهه با نقش‌آفرینی این دیرپاترین تشکل تاریخ مطبوعات ایران شکل گرفت و در طول اعتصاب نقش رهبری اعتصاب‌کنندگان اصلاً بر دوش سندیکا بود. بستر سوم نیز اعتصاب‌های پاییز

سال ۱۳۵۷ بود. می توان گفت دو مورد دیگر در این بستر یعنی سوار بر موج اعتصاب های پر شمار ارگان های مختلف و متعدد کشور در نیمه دوم سال ۱۳۵۷، اعتصاب دو ماهه مطبوعات را محقق کردند؛ موجی که با به میدان آمدن کارگران و کارمندان از شهریور ماه آن سال شروع به اوج گرفتن کرد و تا پیروزی انقلاب اسلامی تداوم داشت. در چنین فضایی بود که اهالی مطبوعات در پاییز سال ۱۳۵۷ دست به اعتصابی دو ماهه زدند. این سه بستر البته نیاز به بهانه یا جرقه ای داشتند که آن هم در روز دوشنبه ۱۵ آبان ماه آن سال محقق شد.

در آن تاریخ، مطبوعات، ۲۲ روز پس از پایان اعتصاب نخست خود (۴ روزه) در سال ۵۷ که طی آن از دولت جعفر شریف امامی ضمانت نامه ای کتبی مبنی بر آزادی مطبوعات دریافت کرده بودند که برای مطبوعات پیروزی بزرگی به حساب می آمد، با چالشی جدی تر روبرو شدند. اگر در دوره اعتصاب کوچک، نخست وزیر، جعفر شریف امامی مدعی آزادی مطبوعات بود، حالا اوضاع فرق می کرد. پس از وقوع واقعه ۱۳ آبان و درگیری های گسترده این روز، عمر دولت شریف امامی هم به سرآمد و ارتشبد غلامرضا ازهاری جانشین او شد. این تغییر به معنای عبور از دولتی با شعار آشتی ملی به دولتی نظامی در فضای پراشتهای پاییز سال ۱۳۵۷ بود و تغییر مهمی به شمار می رفت.

دولت نظامی پس از روی کار آمدن، برای کنترل اوضاع خیلی زود چنگ و دندان را به مطبوعات نشان داد. دولت نمی خواست صدای مزاحمی لاقط از روزنامه های مهمی مثل کیهان، اطلاعات و آیدگان به گوش برسد. به این ترتیب بامداد روز دوشنبه ۱۵ آبان ماه هیأت تحریریه این روزنامه های سه گانه شاهد حضور نظامی ها بود و در واقع به اشغال آنها در آمد. ماجرا البته تنها حضور نظامی ها در تحریریه این سه روزنامه نبود و شاید از آن مهم تر اقدام فرمانداری نظامی برای تحت تعقیب قرار دادن و دستگیری تعدادی از روزنامه نگاران سرشناس بود که این بحران را رقم زد. نکته مهم درباره روزنامه آیدگان این است که حتی نسخه های انتشار یافته این روزنامه هم جمع آوری و توقیف شد.

اهالی مطبوعات در چگونگی واکنش نشان دادن به این اقدامات دچار دودلی شدند و بر سر دوراهی سرنوشت سازی قرار گرفتند. از یک طرف دولت نظامی ضمانت نامه کتبی آنها را به هیچ گرفته و از همان ابتدا شمشیر را برایشان از رو بسته بود. در چنان فضایی نمی شد چندان انتظار انعکاس درست و آزاد وقایع را داشت و ادامه فعالیت روزنامه نگاری دشوار به نظر می رسید. اما از طرف دیگر، کشور در کوران حوادث و وقایع تعیین کننده قرار داشت. در چنین شرایطی اهمیت کار و

تأثیر روزنامه‌نگاران چند برابر و به وجودشان بیشتر نیاز می‌شد و به قول یکی از پژوهشگران، روزنامه خواندن در روز طوفانی بیشتر به کار می‌آید تا در هوای ملایم (قائد ۱۳۸۹).

در روزهایی که همه اهل مبارزه شده بودند، خانواده مطبوعات خود را در برابر این سؤال تاریخی می‌دید که برای مبارزه آیا باید قلم‌ها را زمین گذاشت یا اینکه آنها را به حرکت درآورد؟ شکل‌گیری این شرایط میان اهالی مطبوعات دودستگی ایجاد کرد. البته بیشتر کسانی که به اصطلاح اهل مبارزه بودند و اعتقاد داشتند که مطبوعات باید در کنار عموم مردم قرار گیرد، ادامه فعالیت روزنامه‌نگاری در آن فضا را به معنای حکومتی شدن و مطابق میل حکومت نوشتن و از مردم فاصله گرفتن می‌دانستند. به همین دلیل آرام آرام زمزمه اعتصاب سردادند. در مقابل، عده‌ای به خاطر حساسیت شرایط کشور، درصدد ادامه فعالیت روزنامه‌ها برآمدند. البته در میان این گروه، دسته‌ای از روزنامه‌نگاران وابسته و سرسپرده به حکومت هم بودند که بر ادامه فعالیت روزنامه‌ها تأکید داشتند.

با این وصف و در شرایطی که تصویر واضحی از سرانجام مبارزات وجود نداشت، پرشمارگان‌ترین روزنامه‌های کشور؛ اطلاعات، کیهان و آیندگان و به دنبال آنها برخی نشریات دیگر، به سمت اعتصاب کشیده شدند و برخی روزنامه‌نگاران با میل و بعضی از روی ناچاری به این اعتصاب تن دادند. به این ترتیب اعتصاب مطبوعات شکل و قوت گرفت.

با تجربه‌ای که اهالی مطبوعات از اعتصاب پیشین داشتند در اعتصاب بزرگ هم بلافاصله پس از شروع، دست به دامان سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات شدند. سندیکا نقش رهبری مطبوعات اعتصاب‌کننده را بر عهده گرفت. در روزهای اعتصاب بزرگ، سندیکا پاتوقی برای اصحاب قلم شده بود. خیلی از روزنامه‌نگاران صبح‌ها در تحریریه روزنامه‌هایشان و بعدازظهرها در ساختمان سندیکا دور هم جمع می‌شدند و برای ادامه کار تبادل نظر می‌کردند. به همین دلیل ساختمان سندیکا در دوره اعتصاب روزهای شلوغی داشت.

سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در دوره اعتصاب جدا از اقدامات متعددی مثل انتخاب نمایندگانی با شرح وظایف، برای شکل دادن به همکاری و ارتباط سندیکا با روزنامه‌نگاران، برای بیان حرف‌ها و خواسته‌های اعتصاب‌کنندگان به انتشار بیانیه‌ها (۱۲ شماره) و بولتن‌هایی (۸ شماره) نیز پرداخت؛

بیانیه‌ها و بولتن‌هایی که با توجه به عدم چاپ روزنامه‌ها، می‌توانیم آنها را راهی برای پر کردن خلاء ارتباطی روزنامه‌نگاران اعتصاب‌کننده با مردم به شمار آوریم.

اعتصاب دو ماهه مطبوعات در سال ۱۳۵۷ چنانکه با روی کار آمدن دولت نظامی شروع شد با کنار رفتن این دولت هم به پایان رسید؛ دولتی که برای مقابله با مبارزات انقلابی مردم ایران مثل دولت‌های قبل و بعد از خود، نتوانست کاری از پیش ببرد. در روزهای پایانی این دولت که زمزمه‌های کنار رفتن آن به گوش رسید، مطبوعات اعتصاب‌کننده هم آرام‌آرام خود را برای از سرگیری انتشارشان آماده کردند. برای جانشینی پست نخست‌وزیر قرعه فال به نام شاپور بختیار زده شد. دیدار هیأت مدیره سندیکا با شاپور بختیاری که خود را آماده به تن کردن لباس نخست‌وزیری می‌کرد و خواسته مشترک دو طرف برای پایان اعتصاب هم مزید بر علت شد تا به این ترتیب همزمان با روی کار آمدن او، اعتصاب مطبوعات هم به پایان برسد.

هیأت مدیره سندیکا به مناسبت پایان اعتصاب، بیانیه شماره ۱۲ خود و در واقع آخرین بیانیه‌اش را در تاریخ ۱۵ دی ماه به این موضوع اختصاص داد. در این بیانیه با قدردانی از مردم و اشاره به اتکای مطبوعات در اعتصاب و تداوم آن به نیروی ملت و نیز تضمین آزادی قلم با خون‌بهای زنان و مردان شهید، آمده:

کارگران، کارمندان و نویسندگان و خبرنگاران زحمتکش و مبارز با توجه به رسالتی که در پیشگاه ملت دارند با صراحت اعلام می‌دارند: به این اعتبار که آزادی مطبوعات تأمین است. به این اعتبار که حکومت نظامی حق هیچ‌گونه مداخله‌ای را به استناد مواد ۵ و ۸ قانون به یادگار مانده از روزگار کلنل لیاخوف ندارد، به این اعتبار که قوه مجریه دیگر در هیچ موردی چون گذشته مطبوعات را به انجام خواست‌های خلاف قانون و ضد‌مردمی مجبور نمی‌کند، به این اعتبار که تنها مرجع رسیدگی به جرم‌های مطبوعاتی قوه قضائیه است، قلم‌ها را بار دیگر به چرخش درمی‌آورند. (روزنامه اطلاعات ۱۶ دی ۱۳۵۷: ۶)

۱۵ دی ماه آخرین روز اعتصاب بود و از روز شنبه ۱۶ دی ماه مهم‌ترین روزنامه‌های کشور که طولانی‌ترین تاریخ مطبوعات را از سر گذراندند، بار دیگر به میان مردم برگشتند. استقبال مردم از این روزنامه‌های دوباره متولد شده بی‌نظیر بود و برای خرید آنها صف کشیده بودند.

در جریان اعتصاب بزرگ شاهد واکنش‌های مثبتی از سوی افراد و گروه‌های مختلف با اندیشه‌هایی کاملاً متفاوت هستیم. دامنه تنوع حامیان اعتصاب از برخی از روحانیون تا چهره‌هایی مثل احمد شاملو،

غلامحسین ساعدی، کریم سنجابی (روزنامه کیهان ۱۹ دی ۱۳۵۷: ۸)، محمود اعتمادزاده (به آذین) (روزنامه کیهان ۲۴ دی ۱۳۵۷: ۵) و سیمین بهیانی (روزنامه کیهان ۲۵ دی ۱۳۵۷: ۴) را در برمی گرفت. اما در خود نشریات فضای دیگری حاکم بود. اگر در خارج از فضای مطبوعات نگاه عمومی به اعتصاب و اعتصاب کنندگان مثبت بود، در داخل مطبوعات مخالفت‌ها و موضع‌گیری‌های جدی برخی نشریات در برابر اعتصاب و اعتصاب کنندگان بروز یافت. این مخالفت‌ها چنانکه در مبحث «صف‌بندی روزنامه‌نگاران در برابر یکدیگر» اشاره خواهد شد، ناشی از بروز یا شدت یافتن دودستگی در میان اصحاب مطبوعات بود. صدای اعتراض مخالفان که به اعتقاد آنها، سکوت و دست از کار کشیدن مطبوعات در شرایطی که کشور در معرض حوادث سرنوشت‌ساز قرار داشت، جایز نبود، از طریق نشریاتشان شنیده می‌شد.

واکنش مطبوعات موافق

اعتصاب دو ماهه، مطبوعات را به دو دسته مطبوعات اعتصاب‌گر و مطبوعاتی که به هر دلیلی به اعتصاب نپیوستند، تقسیم کرد. مواضع این دو گروه نیز در برابر اعتصاب به طور طبیعی با یکدیگر متفاوت بود. پس از پایان اعتصاب، مطبوعات اعتصاب‌گر از جمله کیهان، اطلاعات، آیندگان و پیغام امروز چنانکه انتظار هم می‌رفت، به دفاع و ستایش از حرکت خود و ذکر اهمیت آن پرداختند. بخش قابل توجهی از اخبار و گزارش‌های این دسته در روزهای پس از اعتصاب اختصاص به بازتاب پیام‌های حمایت شخصیت‌ها و گروه‌های مختلف از مطبوعات اعتصاب‌گر داشت که تا یکی- دو هفته در این نشریات به چشم می‌خورد. یکی از این پیام‌ها که در نخستین روز پس از اعتصاب در شمار تیرهای اصلی برخی از نشریات قرار گرفت، پیام امام خمینی بود که در واقع تأییدی بر از سرگیری انتشار نشریات پس از اعتصابی دو ماهه بود.^۱

بخشی دیگر از مطالب این قبیل نشریات درباره اعتصاب و عواقب آن شامل ارائه گزارش‌هایی از اتفاقات منجر به اعتصاب از جمله اشغال مطبوعات و دستگیری تعدادی از روزنامه‌نگاران و... بود. از این

۱- در متن این پیام آمده: «از اعتصاب کنندگان محترم مطبوعات که زیر بار سانسور دیکتاتوری نرفتند، تشکر می‌کنم. و اکنون که دولت غیرقانونی جدید مدعی برداشتن سانسور است، آقایان به کار ادامه دهند و از اعتصاب بیرون آیند تا تکلیف ملت با دولت غیرقانونی معلوم شود. مقتضی است سایر اعتصاب کنندگان محترم به اعتصاب خود ادامه دهند، که امید است پیروزی نزدیک باشد، ان شاء الله تعالی» (صحیفه امام ج ۵: ۱۳۷۸: ۳۵۲).

دست می‌توان به گزارش‌های سه‌گانه با عنوان «دو ماه در سنگر قلم» در روزنامه کیهان (روزنامه کیهان ۱۷، ۱۹ و ۲۳ دی ۱۳۵۷) و گزارش «۶۲ روز اسارت قلم در حصار سرنیزه‌ها» در روزنامه آیندگان (روزنامه آیندگان ۱۷ دی ۱۳۵۷: ۸) اشاره کرد.

مطبوعات اعتصاب‌گر در مطالب خود در روزهای پس از پایان اعتصاب به حمایت عامه مردم از اعتصاب هم تأکید نشان دادند. این نشریات حتی با چاپ عکس‌هایی از هجوم مردم برای تهیه نخستین شماره نشریات از اعتصاب درآمده به نحو بهتری بازتاب‌دهنده واکنش مردم در برابر مطبوعات اعتصاب‌گر بودند (روزنامه کیهان ۱۷ دی ۱۳۵۷: ۶؛ روزنامه اطلاعات ۱۷ دی ۱۳۵۷: ۲). یادداشتی با عنوان «هستید، پس می‌نویسیم...» (روزنامه کیهان ۱۶ دی ۱۳۵۷: ۱) و گزارشی با عنوان «قلب اطلاعات با نیروی لایزال ملت بار دیگر تپیدن گرفت» (روزنامه اطلاعات ۱۷ دی ۱۳۵۷: ۲) دو نمونه از مطالبی‌اند که در آنها به پیوند یا به عبارتی آشتی میان مطبوعات و مردم در آن روزها پرداخته شده است.

در لابلای مطالب روزنامه‌های از اعتصاب درآمده به مطبوعاتی که دعوت سندیکا را اجابت نکرده و به اعتصاب نپیوسته بودند، هم کنایه‌هایی زده شده و از آنها به عنوان ورق‌پاره‌هایی که سال‌ها فراموش شده بودند و دولت برای مشوب کردن ذهن مردم آنها را به راه انداخت (روزنامه کیهان ۱۸ دی ۱۳۵۷: ۳) یاد شده است. همچنین درباره روزنامه‌نگاران چنین نشریاتی تعابیری مثل «روزنامه‌نویس مزدور ضداعتصاب» به کار رفته است (روزنامه آیندگان ۱۷ دی ۱۳۵۷: ۱). در این زمینه در قالب یادداشتی با اشاره به اینکه مطبوعات مخالف اعتصاب تظاهر می‌کردند که مردم در شرایط تازه نیاز به مطبوعات داشتند، آمده: «اگر مردم به مطبوعات نیاز دارند، مطبوعاتی است که آنچه را هم اکنون در کشور می‌گذرد، با مردم در میان بگذارد، نه «مزدنامه»یی که بکوشد توجه مردم را از جنایاتی که بر کشور تحمیل شده است، و زندگی روزانه آنها را می‌سازد، منحرف کند و به ماجرای کهنه پپ و گل ارکید و عصای هویدا بکشانند» (پیغام امروز ۱۶ دی ۱۳۵۷: ۱-۲).

واکنش مطبوعات مخالف

از سوی دیگر در زمان اعتصاب دو ماهه چند نشریه پرشمارگان کشور، برخی از نشریاتی که به اعتصاب نپیوستند، به طور صریح به مخالفت با اعتصاب پرداختند. مخالفین اعتصاب به طور عمده نشریاتی بودند که پس از توقیف دسته‌جمعی مطبوعات در سال ۱۳۵۳ در زمان نخست‌وزیری هویدا (به بهانه کمی شمارگان)، در پاییز ۱۳۵۷ انتشار خود را از سر گرفتند؛ از شاخص‌ترین این نشریات می‌توان

به سپید و سیاه، فردوسی، دیپلمات و مرد مبارز اشاره کرد. البته در میان نشریات مخالف برخی مثل خواندنی‌ها از این قاعده مستثنی بودند و به اصطلاح از توقیف درنیامده بودند.

برخی از صاحب‌منصبان این دسته از نشریات از سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات و روزنامه‌های اطلاعات و کیهان گله داشتند که چرا در شروع اعتصاب آنها را در جریان نگذاشته و به شکلی خودسر اقدام به اعتصاب کرده بودند (امیرانی ۱۳۵۷: ۱۱-۱۰؛ قاسمی ۱۳۸۲: ۲۰۲-۲۰۱).

شاید عمده‌ترین دلیلی که این دسته از مطبوعات در مخالفت خود با اعتصاب به آن تکیه داشتند، جایز ندانستن سکوت مطبوعات در آن برهه حساس و سرنوشت‌ساز تاریخی بود:

ما و سندیکایان هر دو خواهان آزادی قلم و مرگ سانسور و اجرای قانون اساسی در مورد مطبوعات هستیم با این تفاوت که آنها با توسل به روزه صمت و سکوت می‌خواهند این حق را به دست بیاورند و ما، با سخن‌سرایی و قلم‌فرسایی ولو به صورت ناقص و یا به شکل لال‌بازی. (امیرانی ۱۳۵۷: ۴۰)

آنها سکوت را در آن مقطع حساس صلاح نمی‌دانستند (پهلوان ۱۳۵۷: ۳؛ جوان ۸ دی ۱۳۵۷: ۳). در برخی از نشریات مخالف اعتصاب حتی در آزادی سلب‌شده مطبوعات نیز تردید شده است (امیرانی ۱۳۵۷: ۱۲). این دسته از نشریات از ابراز مخالفت با اعتصاب هم فراتر رفته و با طعنه به انتقاد صریح از اعتصاب‌کنندگان نیز پرداختند. این طعنه‌ها و انتقادهای معمولاً متوجه عملکرد گذشته روزنامه‌های اطلاعات و کیهان و همین‌طور سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود. به عنوان نمونه وجهی از انتقاد آنها از سکوت سندیکا و روزنامه‌های اطلاعات و کیهان در جریان توقیف سال ۱۳۵۳ بود (سپید و سیاه ۱۵ آذر ۱۳۵۷: ۵). برخی انتقادهای البته تند و تیزتر بودند. از این جمله می‌توان به مقاله‌ای در نشریه آهنگ سیاسی با عنوان «صاحبان روزنامه‌های کیهان و اطلاعات یا سخن‌گویان استعمار» اشاره کرد که در آن با به‌کارگیری تعابیری مثل «بلندگوی استعمار و ستایش‌گر نوکران استعمار و هم‌پاله غارتگران بیت‌المال» و «دولانه استعمار و دو مرکز فساد» درباره کیهان و اطلاعات، و توصیف عملکرد آنها به‌خصوص در دوره کودتای ۲۸ مرداد و همین‌طور نخست‌وزیری هویدا، به این نقطه می‌رسد: «با این توضیحات مختصر که تنها اشاره‌ای به اعمال و روش سودجویانه و خلاف ملی‌الوقتی این دو روزنامه بود، باز هم توقع و انتظار دارید که حالا که پس از پانزده سال توفیق خدمتگذاری به ملت خود

را بازیافته‌ام به عنوان هم‌دردی با صاحبان دو روزنامه *اطلاعات* و *کیهان* از خدمتگذاری صرف نظر کنم در حالی که هیچ وجه مشترکی بین آنها و امثال من وجود ندارد...» (آهنگ سیاسی ۱۱ آذر ۱۳۵۷: ۲-۱).

پیامدهای اعتصاب

الف) صف‌بندی روزنامه‌نگاران در برابر یکدیگر

شکل‌گیری اعتصاب بزرگ مطبوعات و اصرار سندیکا و برخی روزنامه‌نگاران به تداوم آن، باعث تقویت چند دستگی میان اصحاب مطبوعات شد. از یک طرف در دوره اعتصاب شاهد تقابل نشریات اعتصاب‌کننده و نشریاتی هستیم که به هر دلیلی به اعتصاب همکارانشان نپیوستند. گروه نخست که شاخص‌ترین آنها روزنامه‌های *اطلاعات*، *کیهان* و *آیندگان* بودند، به دلیل اینکه روزنامه‌هایشان در اعتصاب بود، در قالب ابزارهای جایگزین مثل بیانیه و بولتن اعتصاب و به‌خصوص با پیش کشیدن مسئله تحریم نشریات مقابل به جنگ قلمی با مطبوعات مخالف پرداختند. گروه دوم نیز که از شاخص‌ترین آنها می‌توان به نشریات خواندنی‌ها، *فردوسی* و *سپید و سیاه* اشاره کرد، در نشریاتشان به‌ویژه با حمله به گذشته روزنامه‌های *اطلاعات* و *کیهان* به مقابله با اعتصاب‌کنندگان پرداختند. چنانکه اشاره شد ریشه برخی اختلافات این دو گروه را باید در سال ۱۳۵۳ جستجو کرد. نشریات دسته دوم گله داشتند که چرا در آن سال در زمان توقیف دسته‌جمعی نشریات، *اطلاعات* و *کیهان* و همین‌طور سندیکا به حمایت از آنها نپرداخته و به اصطلاح پشت آنها را خالی کردند و حالا پس از گذشت چهار سال در شرایطی که برخی از این نشریات تازه از توقیف درآمده‌اند، از آنها توقع همراهی با اعتصاب خود را داشتند. در دوره اعتصاب دوماهه در واقع شاهد دمیده شدن در خاکستر چنین اختلافاتی هستیم. این اعتصاب باعث دامن زدن به اختلافات گذشته شد و با توجه به لحن دو طرف در پاره‌ای مواقع می‌توانیم بگوییم جنگ قلمی تندی را به بار آورد.

در کنار این تقابل، ما حتی شاهد بروز اختلافات جدی میان روزنامه‌نگاران در درون نشریات اعتصاب‌کننده به‌خصوص در روزنامه *اطلاعات* هم هستیم (آرشبو مرکز اسناد انقلاب اسلامی سند شماره ۰۲۶۰۸۰۴۷). در این روزنامه عده‌ای از همان ابتدا با اعتصاب مخالف بودند و روز ۱۵ آبان ماه اقدام به چاپ نسخه‌ای هشت صفحه‌ای هم کردند. این دسته از افراد در دوره اعتصاب بارها چه میان خود و چه با افراد دیگر (اعم از مطبوعاتی‌ها و غیرمطبوعاتی‌ها) رایزنی و جلساتی برای پیدا کردن راهی برای ازسرگیری

انتشار روزنامه داشتند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۴ ج ۱۶: ۲۷؛ سفری ۱۳۸۰ ج ۴: ۹۴، ۱۰۳-۱۰۲ و ۱۳۲؛ آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی سندهای شماره ۰۲۶۰۹۰۴۳، ۰۲۶۰۹۰۴۴، ۰۲۶۰۹۰۴۵، ۰۲۶۰۹۰۴۶، ۰۰۱۷۹۰۰۱ و ۰۰۱۷۹۰۰۲) اعتصاب کنندگان این افراد را وابسته به حکومت دانسته‌اند. در واقع از دید حداقل برخی از اعتصاب کنندگان، در برابر اعتصاب قرار گرفتن معنایی جز حکومتی بودن نداشت. فارغ از اینکه دسته مخالف اعتصاب چه انگیزه‌ای از مخالفت خود داشتند، می‌توان گفت آنها نمی‌خواستند ابزار و به اصطلاح تریبونی که در آن مقطع تاریخی در اختیار داشتند را از دست بدهند.

چنین کشمکش‌هایی از یک طرف و پشت گرمی به حمایت‌های مردمی از طرف دیگر، رابطه نزدیک و دوستانه سه گروه نویسندگان اعتصاب کننده، کارمندان بخش‌های اداری و کارگران فی‌فی را به دنبال داشت که در پاییز و زمستان سال ۱۳۵۷ در اعتصاب مطبوعات نقش داشتند (جوآوردی ۱۳۵۹: ۸۸ و ۱۱۹). همچنین نویسندگانی که شاید مواضع‌شان تا پیش از اعتصاب در سایه مواضع مدیران و بالادستی‌های مطبوعاتی قرار داشت، در خلال اعتصاب بزرگ با همراهی با مردم، هویت‌شان تقویت و نفوذشان بیش از گذشته شد. به این ترتیب می‌توانیم هم‌نوا با نویسنده کتاب تسخیر کیهان^۱ یکی از مشخص‌ترین پیامدهای اعتصاب دو ماهه را «از هم پاشیدن گروه‌های قدیمی گردانندگان مطبوعات، کاهش فوق‌العاده نفوذ روزنامه‌نگاران «دستگاهی» بر کار تحریری، و قدرت گرفتن توده مطبوعاتی» به شمار آوریم (جوآوردی ۱۳۵۹: ۶۴).

ب) شکل‌گیری و تقویت سایر ابزارهای اطلاع‌رسانی

روزهایی که روزنامه‌های مهم ایران در اعتصاب به سر می‌بردند، کشور در کوران حوادث متعدد مهم و سرنوشت‌ساز قرار داشت. رژیم پهلوی در حال فروپاشی بود و آینده نظام سیاسی در هاله‌ای از ابهام قرار داشت. آن روزها مردم تشنه شنیدن اخبار تازه از اوضاع و احوال خاص و در حال دگرگونی کشور بودند. در چنین شرایطی که زمینه و امکان انواع شایعه‌سازی هم وجود داشت، خلاء حضور روزنامه‌های پرشمارگان به شدت احساس می‌شد. برای جبران این کمبود مردم دست به دامان رسانه‌های جایگزین شدند که از تنوع خوبی برخوردار بودند.

۱- کتاب تسخیر کیهان در اصل نوشته مهدی سبحانی است ولی با نام مستعار یونس جوآوردی به چاپ رسیده است.

اعلامیه

آن روزها در دوره اعتصاب (و حتی قبل و بعد از آن) بازار اعلامیه‌نویسی رونق خاصی داشت. اعلامیه‌ها نیازی به داشتن مجوز حکومت نداشتند و به وسیله یک دستگاه ساده امکان تکثیرشان فراهم بود. بسیاری از این اعلامیه‌ها در دیوار مساجد و معابر، کنار درب دانشگاه‌ها و مدارس و دیوار سازمان‌های دولتی نصب می‌شد (جوان ۱۵ دی ۱۳۵۷: ۶) تا تعداد بیشتری امکان خواندن آنها را داشته باشند^۱. این روشی بود که در آن خود مردم در تهیه و پخش اخبار دخیل بودند و به طور طبیعی در مقایسه با مطبوعات، روشی غیر حرفه‌ای به شمار می‌آمد. روشن است که در اخباری که از این طریق پخش می‌شد، جای شک و تردید در صحت خبر وجود داشت. شاید همین مسئله یکی از دلایل روی آوردن مردم در آن روزها به ابزار اطلاع‌رسانی دیگری به نام نوار کاست شد.

نوار کاست

به وسیله نوار کاست سخنرانی‌های مختلف به خصوص سخنرانی‌های امام در نوفل‌لوشاتو در سراسر کشور به سرعت پخش می‌شد. چون مردم از طریق نوار کاست با گوش خود صدای امام را می‌شنیدند نسبت به صحت و سقم آن بهتر یقین حاصل می‌کردند. حامد الگار، ایران‌شناس انگلیسی، سادگی این وسیله ارسال و انتقال پیام‌های ضبط شده را مایه شگفتی بسیاری از ناظران غربی خوانده و از آن به عنوان سمبل تکنولوژیک انقلاب اسلامی یاد کرده است:

یکی از سمبل‌های انقلاب اسلامی ایران این بود که تنها نواری که در اتوبوس‌های مسافربری، کامیون‌ها و تاکسی‌ها پخش می‌شد، نوارهای سخنان آیت‌الله خمینی بود. به عبارتی می‌توان گفت سمبل تکنولوژیک این انقلاب «نوار کاست» بود. همان‌طور که انقلاب مشروطیت، انقلاب «تلگرام» بود. (الگار ۱۳۶۰: ۱۳۵)

اطلاع‌رسانی شفاهی

روش دیگری که مردم خود در گسترش و دامن زدن به آن نقش مستقیم داشتند و یکی دیگر از راه‌های رد و بدل کردن اخبار در سال ۱۳۵۷ به شمار می‌رفت، راه بدون هزینه اطلاع‌رسانی شفاهی بود. بسیاری از خبرها دهان به دهان می‌گشت (مرد مبارز ۲۶ دی ۱۳۵۷: ۲) و میان مردم رواج پیدا می‌کرد.

۱- درباره رواج روزنامه‌های دیواری در آن زمان ر.ک. به: مصطفی گلپاری، «روزنامه‌های دیواری: آگاهی‌دهندگان انقلاب...»، هفته‌نامه جوان، سال ۱، ش ۶، ۲۲ دی ۱۳۵۷: ۲۳-۲۲ و ۴۰.

نشریه *ایران‌شهر* (چاپ لندن) از این شیوه با عنوان «روزنامه دقیق شفاهی» یاد کرده است: «چه نیاز به روزنامه کتبی، که روزنامه دقیق شفاهی در سرتاسر کشور منتشر می‌شود. رسولان پا در رکاب هر شهری، هر روز تازه‌ترین خبرها و تحلیل‌ها را به شهرهای دیگر می‌رسانند و این حماسه، در مبارزات کمتر ملتی دیده شده است» (روزشمار انقلاب اسلامی ۱۳۸۴-۱۳۷۹ ج ۸: ۲۸۲-۲۸۱). حسن این شیوه در این بود که به قول مسعود بهنود، این گفتگوها و همین‌طور روزنامه‌های خیابانی و نوشته‌های دیواری را (بر خلاف مطبوعات) دیگر نمی‌شد بست (بهنود ۱۳۶۹: ۸۳۳). البته روشن است که این روش در معرض آسیب‌هایی جدی قرار داشت. به عنوان نمونه در چنین روشی امکان دامن زدن به شایعات به راحتی وجود داشت. در گزارشی از رادیو کلن آلمان مربوط به هفدهم آذر ماه آن سال، با اشاره به بازار داغ شایعات در آن روزهایی که مطبوعات در اعتصاب و رادیو و تلویزیون در سانسور بودند، آمده: «به نظر می‌رسد که در تهران در این روزها رکورد شایعات شکسته خواهد شد» (خبرنامه سازمان خیرگزاری پارس (محرمانه) ۱۸ آذر ۱۳۵۷: ۲۲).

نشریات جایگزین

در دوره اعتصاب بزرگ از سوی گروه‌های مختلف شاهد انتشار نشریاتی هم هستیم که برای جبران خلاء حضور روزنامه‌های پرشمارگان و مشکل اختلال در خبررسانی، چاپ و تکثیر شدند و در واقع انگیزه انتشار آنها اعتصاب مطبوعات بود. یکی از این نشریات، نشریه‌ای به نام *اخبار جنبش اسلامی* بود که به نهضت آزادی ایران تعلق داشت و انعکاس‌دهنده اخبار اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها و... بود. اخبار جنبش اسلامی از روز ۲۹ آبان تا ۱۸ دی ماه در قالب ۱۱ شماره منتشر شد. این نشریه البته ۹ شماره هم به صورت «فوق‌العاده» از تاریخ ۱۰ تا ۲۳ دی ماه منتشر کرد که به طور ویژه انعکاس‌دهنده اخبار مربوط به اعتصاب صنعت نفت و گزارش‌های هیأت اعزامی امام خمینی از مناطق نفتی بود.^۱

در کنار اخبار جنبش اسلامی باید از نشریه مشترک سازمان ملی دانشگاهیان، کانون نویسندگان ایران و کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران به نام «همبستگی» هم یاد کنیم که در جهت خبررسانی به مردم در دوره اعتصاب فعال بود.

۱- برای دسترسی به محتویات این نشریه ر.ک.به: صفحاتی از تاریخ معاصر ایران: اسناد نهضت آزادی ایران، تهران: نهضت آزادی ایران، چاپ اول، جلد ۹، دفتر اول، ۱۳۶۲، صص ۱۹۰-۱۱۴ و همان، دفتر سوم، صص ۳۱۹-۳۰۱.

سایر ابزارها

برای جبران خلاءهای اطلاع‌رسانی در روزهای پرخبر پاییز و زمستان سال ۵۷، روش‌های مبتکرانه دیگری هم وجود داشت: «در خیابان‌ها نوع تازه‌ای از پیام‌رسانی تجربه می‌شد، هزاران نوجوان و جوان، خبر مربوط به کشته شدن‌ها، درگیری‌ها، دسیسه‌ها، نیاز بیمارستان‌ها به خون و... را روی مقوای نوی می‌گرداندند، و به همه نشان می‌دادند» (بهنود ۱۳۶۹: ۸۳۲). به جز اینها در سال ۵۷ مردم از طریق مساجد هم که مکانی برای فعالیت‌های انقلابی بود، در جریان اخبار قرار می‌گرفتند (گوران ۱۳۹۰).
به نوشته نشریه اراده آذربایجان، در نبود اطلاعات و کیهان حتی اطلاع‌رسانی دربارهٔ مجالس ترحیم نیز با مشکل مواجه و نتیجه‌اش این‌طور شد:

کم‌کم چسب آگهی‌های دیواری، به سبک و سلیقه سی‌چهل سال پیش رواج پیدا کرده و به‌خصوص در جنوب شهر چسب آگهی‌های مجالس تذکر به دیوار خیابان‌ها و پخش آن در محلات و دکاکین و نصب حجله‌های پرنور با عکس متوفی رونق یافته است (اراده آذربایجان ۱۴ آذر ۱۳۵۷: ۸).

در میان رسانه‌های صوتی-تصویری نیز شاید بهترین جایگاه را در میان مردم، رادیو بی.بی.سی از آن خود کرده بود. اخبار رادیو بی.بی.سی آن روزها طرفداران زیادی داشت و برای مردم به یکی از مهم‌ترین راه‌های کسب خبر تبدیل شده بود (طلوعی ۱۳۷۲ ج ۲: ۸۰۰). در واقع این رادیو نیز در جریان اطلاع‌رسانی در دورهٔ اعتصاب بزرگ نقشی مهم ایفا کرد.

ج) شمارگان استثنائی

اعتصاب بزرگ مطبوعات مثل اعتصاب نخست (۴ روزه) با همراهی بخش قابل توجهی از عموم مردم همراه بود. بسیاری از مردم، اعتصاب مطبوعات را عمل مبارزاتی مطبوعاتی‌ها تلقی کردند و در نظرشان آن دسته از خانواده مطبوعات که در اعتصاب نقش داشتند، در صف مبارزاتی و در نتیجه هم‌دوش آنها بودند. این نوع نگاه مردم به اعتصاب مطبوعات سبب شد که به محض پایان آن، به شکلی کم‌نظیر (اگر نگوییم بی‌نظیر) از روزنامه‌های اطلاعات و کیهان و حتی آیندگان استقبال شود؛ استقبالی که به صورت تجمع در مقابل درب روزنامه‌ها برای «قاپیدن» آنها در لحظه توزیع و شکل‌گیری صف‌های طولانی مقابل محل‌های عرضه مطبوعات خودش را نشان داد.

فریدون تنکابنی، یکی از نویسندگان آن زمان، مردمی که در نخستین روز انتشار دوباره روزنامه‌ها به سوی روزنامه‌فروشی‌ها می‌شتافتند و روزنامه‌ها را می‌قاپیدند به قحطی‌زدگانی تشبیه کرده که به نان رسیده باشند (روزنامه‌کیهان ۱۸ دی ۱۳۵۷: ۳). استقبال طوری بود که گروهی از مردم روزنامه‌ها را به دیوار می‌چسباندند تا دیگران هم آنها را مطالعه کنند؛ اقدامی که آن هم شکل‌گیری صف‌های طولانی مردم را به دنبال داشت (اطلاعات هفتگی ۲۹ دی ۱۳۵۷: ۱۲).

مردم احساس می‌کردند مطبوعات بیش از گذشته انعکاس‌دهنده مسائلی‌اند که آنها به دنبالش و تشنه دانستن‌اش هستند. البته اصحاب مطبوعات چه موافق و چه مخالف با نحوه خبررسانی پس از اعتصاب می‌دانستند که حمایت از رژیم و عدم همراهی با مردم در آن روزها نتیجه‌ای جز تحریم عمومی نشریات‌شان را به دنبال نداشت (معتضد ۱۳۹۰ ج ۲: ۳۸۴؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۴ ج ۱۶: ۷۵ و ۴۷۴؛ سفری ۱۳۸۰ ج ۴: ۷۷).

ماحصلی که استقبال عمومی از نشریات پس از اعتصاب داشت، صعود ناگهانی و شدید شمارگان روزنامه‌های اطلاعات، کیهان و آیندگان بود (بهشتی‌پور ۱۳۷۲: ۸۹؛ هفته‌نامه جوان ۲۲ دی ۱۳۵۷: ۶؛ هفته‌نامه جوان ۲۹ دی ۱۳۵۷: ۶). شمارگان اطلاعات و کیهان با وجود مشکل کمبود کاغذ (که تعداد صفحات آنها را بعد از اعتصاب به هشت صفحه رسانده بود) از مرز یک میلیون نسخه در روز گذشت و آیندگان هم به چند برابر شمارگان معمول خود رسید. به قول یکی از صاحب‌قلم‌های آن زمان اگر ظرفیت چاپ این نشریات در آن مقطع اجازه می‌داد، کم از نشریات پرخواننده جهان نداشتند (بهنود ۱۳۶۹: ۸۸۷). البته این افزایش شمارگان غیرقابل پیش‌بینی نبود. زمانی که در شهریور ماه، اطلاعات و کیهان برای نخستین بار اقدام به چاپ تصویر امام خمینی کردند، شمارگان چند برابری و استثنائی را تجربه کرده بودند (بربر ۱۳۵۸: ۷۷).

د) بهبود کیفیت اطلاع‌رسانی

اعتصاب بزرگ مطبوعات بدون تردید بر بستر و به پشتوانه اعتراض‌ها و به‌خصوص اعتصاب‌های سال ۱۳۵۷ شکل گرفت و عملی شد. این اعتصاب که مثل اعتصاب چهار روزه به انگیزه‌های سیاسی رخ داد و جنبه رفاهی نداشت، تافته جدا بافته‌ای از اتفاقات سال ۱۳۵۷ نبود و در واقع وامدار مبارزات

۱- حتی در همان روزها هم شاهد اعتراض‌هایی از طرف برخی از مردم به بهانه نحوه اطلاع‌رسانی مطبوعات پر شمارگان هستیم.

مردمی بود. نشریات اعتصاب‌کننده که نخست تحت تأثیر حرکات انقلابی مردم بودند در روزهای پایانی عمر حکومت پهلوی، خودشان نیز نقش آفرین بودند. آنها پس از اعتصاب که دیگر چندان خبری از سایه سنگین دستگاه‌های نظارتی نبود، آزادتر^۱ و با مردم همراه‌تر شده بودند و در دوران انقلاب اطلاع‌رسانی بهتری درباره وقایع آن روزها داشتند. به تعبیر نشریه تهران مصور در همان زمان، پس از اعتصاب دو ماهه به علل بسیار اطلاعات و کیهان در تاختی سریع به سوی مردمی شدن، چهره‌ای درست در تضاد با چهره ۱۵ سال گذشته خود گرفتند (تهران مصور ۶ بهمن ۱۳۵۷: ۱۸).

در آن مقطع مطبوعات خواسته و ناخواسته بیش از گذشته به اخبار اعتراض‌ها و تظاهرات‌های مردمی می‌پرداختند. البته باید در نظر داشت که آنقدر موج اعتراض‌ها بالا گرفته بود و کار از دست متصدیان حکومت خارج، که مطبوعات چاره‌ای جز پرداختن به آنها نداشتند. به همین جهت در آن زمان شاهد گسترش کمی اخبار مربوط به اعتراض‌ها و علنی شدن هرچه بیشتر مخالفت‌ها در قالب‌هایی مثل یادداشت و مقاله هستیم. پس از اعتصاب اخبار مربوط به امام نیز بیشتر و بهتر از گذشته بازتاب داشت. به‌ویژه که خبرنگاران به فرانسه هم اعزام شده بودند و اخبار جدید و داغ را مستقیم از آنجا مخابره می‌کردند. درست از نخستین روز پس از اعتصاب بود که حتی در اطلاعات و کیهان، لفظ آیت‌الله‌العظمی خمینی جای خود را به لفظ «امام خمینی» داد.

مطبوعات در اواخر دی ماه و بهمن ماه حتی اگر نمی‌خواستند هم چاره‌ای جز بازتاب پاره‌ای وقایع نداشتند. چنین موقعیتی به خواست عمومی مردم هم بود. در واقع خواست توأمان برخی از اهالی مطبوعات در داخل و عموم مردم در بیرون مطبوعات و همین‌طور شرایط حاکم بر آخرین روزهای حیات رژیم پهلوی، چنین نحوه اطلاع‌رسانی را رقم زد. در همین شرایط و بر چنین بستری بود که در مطبوعات آن زمان تیترهایی مثل «شاه رفت» و «امام آمد» با آن فونت‌های استثنائی به چاپ رسید و به بخشی از حافظه تاریخی ایرانیان تبدیل شد.

۱- البته در همان روزها هم اتفاقاتی مثل دستگیری ۵ تن از روزنامه‌نگاران روزنامه‌های اطلاعات، کیهان و آیندگان در روز پنجم بهمن ماه و سه روز زندانی شدن آنها، آزادی مطبوعاتی‌ها را به چالش کشید.

نتیجه‌گیری

اعتصاب سراسری و بلندمدت برخی از مطبوعات ایران در پاییز و زمستان ۱۳۵۷ در تاریخ مطبوعات این کشور اتفاقی قابل تأمل و مهم به حساب می‌آید. در این پژوهش تلاش شد تا با نگاهی به این اعتصاب که محصول اراده جمعی از اعضای تحریریه، کارمندان و به‌ویژه کارگران فنی مطبوعات بود، به بررسی پیامدهایی پرداخته شود که این حرکت اصحاب مطبوعات از جنبه‌های مختلف به دنبال داشته است.

در جریان اعتصاب دو ماهه، مطبوعات به دو دسته مطبوعات اعتصاب‌کننده و مطبوعات به اصطلاح اعتصاب‌شکن تقسیم شدند. در این اعتصاب شاهد شکل‌گیری و تشدید اختلاف‌نظرهای جدی و جنگ قلمی میان مطبوعات موافق و مخالف و سر باز کردن زخم‌هایی کهنه از دوره نخست‌وزیری امیرعباس هویدا هستیم.

دولت نظامی غلامرضا اژه‌اری برخلاف واکنشی که دولت جعفر شریف‌امامی در برابر اعتصاب نخست مطبوعات نشان داد و به گفتگو با اعتصاب‌کنندگان برای پایان اعتصاب نشست، چندان پی‌گیر مذاکره با مطبوعات نبود و مطبوعات نیز تا پایان کار این دولت اعتصاب خود را ادامه دادند. در مجلس نیز در جریان اعتصاب بزرگ، از یک طرف شاهد حمایت رئیس و تعدادی از نمایندگان مجلس از مطبوعاتی‌های اعتصاب‌کننده در بیرون از صحن مجلس هستیم و از طرف دیگر، با کشیده شدن موضوع این اعتصاب به داخل صحن مجلس مواجهیم. به‌ویژه در زمان طرح و بررسی برنامه دولت غلامرضا اژه‌اری فرصتی پیش آمد تا نمایندگان موافق و مخالف اشاره‌ای به وضعیت مطبوعات در آن مقطع داشته باشند. گروه اقلیت مجلس نیز ضمن دیداری که با اعضای هیأت مدیره سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در مجلس داشت، با انتشار اطلاعیه‌ای به دفاع از اعتصاب مطبوعات پرداخت.

در روزهایی که کشور در کوران حوادث سرنوشت‌ساز قرار داشت، اعتصاب اصحاب مطبوعات می‌توانست در اطلاع‌رسانی اخبار مهم اختلال ایجاد کند اما مردمی که تشنه شنیدن اخبار تازه بودند، با راه‌اندازی یا تقویت سایر ابزارهای اطلاع‌رسانی در زمان اعتصاب، تلاش کردند چنین خلأی را پر کنند. به این ترتیب از پیامدهای اعتصاب، روی آوردن مردم به دیگر ابزارهای اطلاع‌رسانی موجود یا ابداع ابزارهای تازه اطلاع‌رسانی بود.

البته این ابزارها با وجود اینکه هر کدام در جای خود دارای اهمیت بودند، نتوانستند جای مطبوعات را بگیرند و با از سرگیری انتشار نشریات اعتصاب‌کننده از سوی مردم استقبالی کم‌نظیر از آنها به عمل آمد؛ استقبالی که درباره آن می‌توانیم تعبیر آشتی مطبوعات و مردم را به کار ببریم و نتیجه آن، شمارگان استثنائی این نشریات در تاریخ مطبوعات کشور بود که آن را هم می‌توان به عنوان یکی دیگر از پیامدهای اعتصاب مطبوعات برشمرد. البته ناگفته نماند پیام امام خمینی به مناسبت پایان اعتصاب مطبوعات، که در آن از سرگیری انتشار مطبوعات تأیید شده بود، می‌توانست در این نوع نگاه مردم به نشریات از اعتصاب درآمده تأثیرگذار باشد.

مطبوعاتی که از سوی مردم با استقبال مواجه شدند، در آخرین روزهای رژیم پهلوی فضای نسبتاً آزادی را تجربه کردند که نتیجه آن اطلاع‌رسانی بهتر از سوی این نشریات در روزهای منجر به پیروزی انقلاب اسلامی بود. به این ترتیب روزنامه‌های از اعتصاب درآمده در واپسین روزهای سلطنت پهلوی، از طریق اطلاع‌رسانی بهتر به نقش آفرینی در جریان حوادث آن سال پرداختند.

منابع

- *اراده آذربایجان*، از آبان تا بهمن ۱۳۵۷.
- *اطلاعات هفتگی*، از مهر تا بهمن ۱۳۵۷.
- *اطلاعات*، از آبان تا بهمن ۱۳۵۷.
- الگار، حامد. (۱۳۶۰) *انقلاب اسلامی در ایران* (ترجمه مرتضی اسعدی و حسن چیدری)، تهران: قلم.
- امیرانی، علی اصغر. (۱۳۵۷) «دلیل مبارزه، فریاد است نه سکوت»، *خواندنی‌ها*، سال ۳۹، شماره ۱۹، ۳۰ دی ۱۳۵۷.
- ----- (۱۳۵۷) «خدایا به فریاد ما برس!»، *مجله خواندنی‌ها*، سال ۳۹، شماره ۱۰، ۲۷ آبان ۱۳۵۷.
- *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک*. (۱۳۸۴)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، جلد ۱۶.
- *آهنگ سیاسی*، از آذر تا بهمن ۱۳۵۷.
- *آینه‌گان*، از آبان تا بهمن ۱۳۵۷.
- بریر، کلر و پیر بلانشه. (۱۳۵۸) *ایران: انقلاب به نام خدا* (ترجمه قاسم صنعوی)، تهران: کتاب سحاب.
- بهشتی‌پور، مهدی. (۱۳۷۲) «مطبوعات ایران در دوره پهلوی»، *فصلنامه رسانه*، سال ۴، شماره ۴-۲، تابستان-زمستان ۱۳۷۲.
- بهنود، مسعود. (۱۳۶۹) *از سیدضیاء تا بختیار(دولت‌های ایران از اسفند ۱۲۹۹ تا بهمن ۱۳۵۷)*، تهران: جاویدان، چاپ ۴.

- پهلوان، عباس. (۱۳۵۷) «نهضت ملی و قیام یکپارچه مردم ما بیش از آن اهمیت دارد که توطئه سکوت و خفقان ادامه داده شود»، مجله فردوسی، شماره ۸، ۲۷ آذر ۱۳۵۷.
- پیغام/امروز، از آبان تا بهمن ۱۳۵۷.
- تاراجی، منصور. (۱۳۷۳) «از روزهای نوفل‌لوشاتو تا اعتصاب مطبوعات»، فصلنامه گزارش، شماره ۴۳، شهریور ۱۳۷۳.
- تهران مصور، از آذر تا بهمن ۱۳۵۷.
- جوان، از آبان تا بهمن ۱۳۵۷.
- جوانرودی، یونس (مهدی سبحانی). (۱۳۵۹)، تسخیر کیهان، تهران: حاشیه.
- حیدری، محمد. (۱۳۷۳) «بررسی ساختار بیرونی و درونی اعتصاب مطبوعات»، فصلنامه گزارش، شماره ۴۳، شهریور ۱۳۷۳.
- خبرنامه سازمان خبرگزاری پارس (محرمانه)، از آبان تا بهمن ۱۳۵۷.
- خواندنی‌ها، از آبان تا بهمن ۱۳۵۷.
- روزشمار انقلاب اسلامی (۱۳۸۴-۱۳۷۹)، تهران: سوره مهر (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی)، جلد ۸.
- سپید و سیاه، از آبان تا بهمن ۱۳۵۷.
- سفری، محمدعلی. (۱۳۸۰) قلم و سیاست، تهران: پروین- نامک، جلد ۴.
- صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی). (۱۳۷۸) تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ۵.
- صفحاتی از تاریخ معاصر ایران (اسناد نهضت آزادی ایران). (۱۳۶۲) تهران: نهضت آزادی ایران، جلد ۹ و ۱۱.
- طالعی، جواد. (۲۰۰۹م) «مطبوعات ایران در منگنه دو نظام»، سایت دویچه‌وله، ۶ فوریه ۲۰۰۹م، به آدرس‌های:
- طلوعی، محمود. (۱۳۷۲) بازیگران عصر پهلوی: از فروغی تا فردوست، تهران: علم، جلد ۲.
- فردوسی، از آبان تا بهمن ۱۳۵۷.
- قاسمی، فرید و علی دهباشی با همکاری طوبی ساطعی. (۱۳۸۲) تاریخ شفاهی مطبوعات ایران: گفت‌وگوهایی با پیشکسوتان روزنامه‌نگاری و مجله‌نگاری، تهران: ققنوس.
- قائد، محمد. (۱۳۸۹) «آرمان‌ها و مصلحت‌ها: نگاهی به اعتصاب مطبوعات در سال ۵۷»، روزنامه روزگار، ۲۱ بهمن ۱۳۸۹.
- کیهان، از آبان تا بهمن ۱۳۵۷.
- گلیاری، مصطفی. (۱۳۵۷) «روزنامه‌های دیواری: آگاهی‌دهندگان انقلاب...»، هفته‌نامه جوان، سال ۱، شماره ۶، ۲۲ دی ۱۳۵۷.
- گوران، فیروز. (۱۳۹۰) «ناگفته‌های فیروز گوران از اعتصاب مطبوعات (۳): اعتصاب بزرگ اشتباه بود»، سایت تاریخ ایرانی، مصاحبه‌گر: سرگه بارسقیان، ۱۱ تیر ۱۳۹۰، به آدرس:

- مرد مبارز، از آبان تا بهمن ۱۳۵۷.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد شماره ۰۲۶۰۸۰۴۷، ۰۰۱۷۹۰۰۱، ۰۰۱۷۹۰۰۲، ۰۲۶۰۹۰۴۳، ۰۲۶۰۹۰۴۴ و ۰۲۶۰۹۰۴۵.
- معتضد، خسرو. (۱۳۹۰) چکمه و قلم: رضا شاه و روزنامه‌نگار، سیری در تاریخ مطبوعات و سانسور در ایران (به پیوست یادداشت‌های علی هاشمی حائری؛ روزنامه‌نگار)، تهران: البرز، جلد ۲.
- مهدیان، حسین. (۱۳۸۸) «اجرای اعتصاب دو ماهه مطبوعات در سال ۵۷»، مصاحبه‌گر: علی البرزی، روزنامه جوان، ۱۹ بهمن ۱۳۸۸.

www.dw.de/a-4008102

www.dw.de/a-4008237

و

<http://www.tarikhirani.ir/fa/news/1/bodyView/1000>